

مؤلفه‌های اندیشه کلام سیاسی حوثیان (انصارالله) با تأکید بر شهید حسین الحوثی

محمدعلی نیازی^۱، امین‌رضا عابدی داورانی^۲

چکیده

دین و سیاست در اندیشه کلام سیاسی انصارالله متحد و شهید حسین الحوثی نیز بر این اصل اساسی در تشکیل حکومت اسلامی معتقد است. این پژوهش به بررسی و تحلیل کلام سیاسی انصارالله پرداخته است. هدف این تحقیق، شناسایی مؤلفه‌های اندیشه کلام سیاسی حوثیان به عنوان یکی از مهمترین جریان‌های زیدی در یمن است. حکومت جایگاه بسیار مهمی در اندیشه کلام سیاسی زیدیه داشته است و در دوره‌هایی نیز حکومت نسبتاً پایداری تشکیل داده‌اند. در عصر حاضر انصارالله در پی احیای حاکمیت اسلامی با اندیشه سیاسی حوثیان می‌باشد. محقق تلاش کرده تا با «روش توصیفی-تحلیلی» در اندیشه حوثیان، به کشف مؤلفه‌های اندیشه کلام سیاسی انصارالله یمن، با تأکید بر اندیشه‌های حسین الحوثی بپردازد و نظریه حاکمیتی آنها را ارائه نماید. بر اساس نتایج تحقیق، مؤلفه‌های اندیشه کلام سیاسی حوثیان عبارت است از: مشروعیت، مردم‌پایگی، استکبارستیزی، دشمن‌شناسی و اندیشه مقاومت و قیام به سیف است. این مؤلفه‌ها دارای پیامدهایی از قبیل حفظ کرامت انسانی، امنیت ایمانی، آرامش، رفاه و امنیت اجتماعی، استقلال همه‌جانبه، رشد فضائل اخلاقی، محو استبداد و خودکامگی، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی است.

واژگان کلیدی: حاکمیت، زیدیه یمن، حوثیان، حسین الحوثی، اندیشه سیاسی

dr.niazi2014@gmail.com

abeddavarani@gmail.com

۱. استادیار جامعه‌المصطفی العالمیه

۲. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی العالمیه

نحوه استناد: نیازی، محمدعلی؛ عابدی داورانی، امین‌رضا (۱۴۰۵). «مؤلفه‌های اندیشه کلام سیاسی حوثیان (انصارالله)

با تأکید بر شهید حسین الحوثی». حکمت اسلامی، ۱۳ (۱)، ص ۹۹-۱۱۹.

۱. مقدمه

ما در این مقاله می‌کوشیم اندیشه کلام سیاسی انصارالله به عنوان یک جریان مهم کلام سیاسی حوثی‌های یمن را بررسی کنیم. خاستگاه اصلی فکری انصارالله مکتب زیدیه می‌باشد. حکومت در اندیشه زیدیان جایگاه مهمی دارد؛ هرچند که زیدیه از ابتدا تاکنون آرمان تشکیل حکومت فراگیر را محور کار خود قرار داده‌اند و تا حد امکان برای برپایی حکومت‌های دینی در بلندمدت جهت اهداف بزرگ خود اهتمام داشته‌اند. این رویه در درازمدت به بازگشت امیرنشین‌های قدرتمند و نهایتاً حکومت‌های نسبتاً پایدار انجامید. حکومت علی عبدالله صالح به دلیل بحران‌های سیاسی و اجتماعی متعددی از مشروعیت کافی برای تداوم حکمرانی برخوردار نبود. در نتیجه، گروه‌های اجتماعی مختلف نظیر جوانان، دانشجویان، قبایل، احزاب سیاسی، حوثی‌ها و جنوبی‌ها در برابر او قرار گرفتند؛ هرچند شکاف‌های قبیله‌ای موجود در یمن باعث شد برخی قبایل و گروه‌ها از علی عبدالله صالح حمایت کنند. در این میان، عربستان سعودی و سیاست‌های استراتژیک آمریکا از عوامل اصلی تداوم و تشدید بحران یمن به شمار می‌روند. عربستان به دنبال تثبیت مرزهای خود و جلوگیری از بازگشت سه استان تصرف‌شده یمن، یعنی عسیر، جیزان و نجران، به این کشور است. مداخله عربستان در یمن تنها به بُعد سخت‌افزاری و تصرف سرزمینی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد نرم‌افزاری و گفتمانی نیز دارد. با این حال، با توجه به اندیشه مقاومت در یمن، امیدی به تثبیت دستاوردهای عربستان وجود ندارد. ریاض تلاش دارد با متهم کردن ایران به دخالت در حوادث یمن، اقدامات تجاوزکارانه خود را به‌عنوان دفاع از مرزهای عقیدتی و امنیتی جلوه دهد. عربستان از روی کار آمدن حکومتی شیعه با گرایش به انقلاب ایران در همسایگی خود ناخشنود است و آن را تهدیدی برای موازنه قدرت منطقه‌ای و جریان نفت خام و تجارت از طریق تنگه باب‌المندب و دریای سرخ می‌داند. علاوه بر این، دسترسی به دریای عرب نیز باعث کاهش وابستگی سعودی‌ها به خلیج فارس خواهد شد.

جبهه استکبار، به‌ویژه عربستان و آمریکا، در پی مقابله با شیعیان حوثی برای جلوگیری از وقوع انقلاب یمن و تغییرات دموکراتیک در این کشور و نیز محدود کردن نفوذ اندیشه سیاسی ایران هستند. همچنین، عربستان و آمریکا به شدت از جدایی طلبان جنوب یمن حمایت می‌کنند تا از این طریق منافع خود را در منطقه تأمین نمایند. انقلاب اسلامی انصارالله یمن، برآمده از کوشش تاریخ اندیشه نسل‌های زیدیه است که از سویی دغدغه غلبه بر توسعه‌نیافتگی کشور را داشتند و از سوی دیگر راه‌گذار از این وضعیت نابسامان را در توجه به اندیشه شیعی و اسلامی دانستند. به همین

جهت، انصارالله تشکیل حکومت و اداره آن بر اساس اندیشه انصارالله و مبانی اسلام را رمز و راز موفقیت برای جبران عقب ماندگی تاریخی به ملت یمن می‌دانند. بر همین اساس، توجه به اندیشه کلام سیاسی انصارالله به عنوان اصلی‌ترین رکن اندیشه کلام سیاسی زیدیه اهمیت مضاعف می‌یابد. در پژوهش حاضر، تلاش گردیده تا اندیشه کلام سیاسی حوثیان با تأکید بر اندیشه کلام سیاسی حسین الحوثی استخراج، معرفی و تحلیل گردد.

حسین الحوثی فعالیت کلام سیاسی خود را با پیوستن به حزب «الحق»، تنها حزبی که علما و نخبگان زیادی در آن شرکت داشتند آغاز کرد. حسین الحوثی به سبب شایستگی خود و جایگاه مهمی که پدرش یعنی علامه بدرالدین الحوثی در حزب الحق داشت، در سال ۱۹۹۳م توانست با یکی از دو کرسی حزب الحق وارد پارلمان یمن شود. (الحوثی، ۲۰۲۰، ص ۲۳) او تا سال ۱۹۹۷م عضو پارلمان یمن بود. حسین الحوثی در ۱۹۹۷م از پارلمان استعفا داد. او به دلیل برخی اختلافات، به همراه پدرش از حزب الحق جدا شد و به فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی روی آورد. بیشتر وقت خود را به آموزش جوانان یمنی در «منتدی الشباب المؤمن» اختصاص داد. در سال ۱۹۹۷م، حسین الحوثی نام این انجمن را به «تنظیم الشباب المؤمن» تغییر داد تا به شکل منسجم‌تری به فعالیت‌های آموزشی و سیاسی بپردازد. هدف او از این تغییر، ارتقاء و توسعه این تشکیلات بود. این تشکیلات تا پیش از سال ۲۰۰۰م مورد حمایت دولت بود. شاید یکی از انگیزه‌های حمایت دولت علی عبدالله صالح از «تنظیم الشباب المؤمن»، ممانعت از نفوذ و فعالیت حزب سلفی - اخوانی «التجمع الیمنی للإصلاح» و دیگر جریان‌های سلفی بود. حوثی در آن مقطع و با حمایت حکومت، اقدام به تأسیس مدارس، حوزه‌های علمیه و اردوگاه‌های تابستانی نمود و اندیشه‌های خود را آموزش داد. (همان، ۲۴)

۲. مفهوم‌شناسی

اندیشه: اندیشه در نزد منطق‌دانان به معنای حرکتی ذهنی است که از مجهول مطلوب به سوی معلومات و سپس از معلومات به سوی مجهول مطلوب برای روشن ساختن آن انجام می‌شود. مرحوم مظفر با دقت بیشتری اندیشه را این‌گونه تعریف می‌کند: «اجراء عملیه عقلیه فی المعلومات الحاضره لاجل الوصول الی المطلوب»، یعنی انجام عملیات عقلی بر روی معلومات حاضر در ذهن برای دستیابی به نتیجه مطلوب.

کلام سیاسی:

واژه «کلام» از ریشه عربی «ک-ل-م» به معنای سخن گفتن و یا بیانی دارای معنا است. در لغت، «سیاسی» از کلمه «سیاست» برگرفته شده و به معنای تدبیر امور، مدیریت جامعه و راهبری

به سوی اهداف خاص است. در این معنا، «کلام سیاسی» به صورت لغوی به معنای سخنی است که به حوزه تدبیر و امور جامعه مرتبط باشد.

کلام سیاسی به مباحثی اطلاق می‌شود که در آن، اصول، قواعد و گزاره‌های سیاسی با استفاده از روش‌های استدلالی و عقلی بررسی می‌شود. این علم، از کلام اسلامی نشئت گرفته و آموزه‌های سیاسی - دینی را در چارچوب اعتقادات دینی تحلیل می‌کند. به عبارت دیگر، در اصطلاح، کلام سیاسی بر تعامل بین اصول الهی و توضیح و تبیین آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های کلان دین در باب مسائل و امور سیاسی می‌پردازد و در قبال دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب متمرکز است و در پی تبیین مبانی مشروعیت نظام‌های حکومتی است (بهرروز لک، ۱۳۸۲، ش ۲۸).

حاکمیت: در موضوع حاکمیت، علامه بدرالدین حوثی معتقد است که دو نوع حکومت وجود دارد: نوع اول امامت است که مختص اهل بیت علیهم‌السلام است. نوع دوم، «احتساب» نام دارد و می‌تواند در هر فرد مؤمنی که دارای ویژگی‌های عدالت، کار برای خدا، حمایت از اسلام و امر به معروف و نهی از منکر است، تحقق یابد. به عقیده علامه حوثی، زمانی که فردی عادل باشد، به قصد خدای کار دین را انجام دهد و از اسلام حمایت کند، می‌تواند حکومت را به عنوان «احتساب» به دست گیرد. علامه حوثی تأکید می‌کند که تعارضی بین این دو نوع حکومت وجود ندارد؛ در صورتی که امکان تحقق امامت فراهم نباشد، احتساب جایگزین آن خواهد بود. (دغشی، ۱۴۰۴، ق، ص ۱۶)

تعریف عملیاتی «زیدیه»: منظور از زیدیه افرادی منشعب شده از مکتب تشیع هستند که از زید بن علی پیروی کرده و دارای عقاید مشترک و متفاوت با امامیه می‌باشند و امروز به زیدیه - حوثی معروف هستند.

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است. این رویکرد به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تشدید بحران ناپایداری حاکمیت و سیاست‌های اجتماعی و امنیتی یمن، و همچنین جنگ داخلی و منطقه‌ای آن با هدف ایجاد حکومتی ملی می‌پردازد. بخش توصیفی، فرایند تحولات یمن را مورد بررسی قرار می‌دهد، در حالی که روش تحلیلی بر ارزیابی تأثیرات عوامل اجتماعی، ساختاری، منطقه‌ای و بین‌المللی در ایجاد بحران یمن و نحوه مدیریت آن تأکید دارد. این ترکیب، تحلیل جامع‌تری از بحران یمن ارائه می‌کند. (سلطانی فر، ۱۳۸۶، ص ۲۵) برای استخراج مؤلفه اندیشه کلام سیاسی حوثیان زیدیه، به آثار مکتوب و شفاهی و بیانات و کتاب‌های زیدیه مراجعه و یافته‌ها مورد تحلیل و توصیف قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه توازن منطقه‌ای در نظام‌های ناهمگون و محیط‌های راهبردی پر آشوب بنا شده است. رویکرد تحلیلی تعامل سه‌جانبه پویا تأکید دارد که تحولات سیاسی در یمن و سازوکارهای حکومتی برای مدیریت این کشور تحت تأثیر چهار مؤلفه

اصلی قرار دارند: ۱) حاکمیت اجتماعی (ساختار فرهنگی و اجتماعی) ۲) ساختار سیاسی داخلی ۳) نظام منطقه‌ای ۴) سیاست بین‌الملل. هر یک از این مؤلفه‌ها، بخشی از فرایند شکل‌گیری اندیشه حاکمیت در تفکر زیدیه محسوب می‌شوند که امروزه توسط حوثیان احیا شده است. این مقاله، اندیشه حاکمیتی حوثیان انصارالله را به عنوان محور اصلی بررسی قرار می‌دهد و فرایندی را مورد توجه قرار می‌دهد که هویت دینی را به عنوان مبنای نیروهای اجتماعی یمن (انصارالله) تولید می‌کند. بر این اساس، این نیروها اهداف حاکمیت سیاسی خود را با تأکید بر ضرورت‌های امنیت ملی و منطقه‌ای، استقلال سیاسی، امنیت منطقه‌ای و تقابل با راهبردهای قدرت‌های بزرگ دنبال می‌کنند. در این چارچوب، انصارالله سعی دارد از طریق احیای هویت دینی و تقویت وحدت اجتماعی، جایگاه خود را در معادلات سیاسی و امنیتی یمن و منطقه مستحکم کند و در برابر تهدیدات خارجی ایستادگی نماید. (رمضانی، ۱۳۸۰، ص ۶۸)

جان فوران در پژوهش خود، علل ناکامی انقلاب‌ها و استمرار بحران در یک کشور را ترکیبی از عوامل متعددی می‌داند، از جمله: توسعه وابسته، حکومت سرکوبگر و انحصارطلب که به شخص خاصی وابسته است، شکل‌گیری فرهنگ‌های سیاسی مقاومت، بحران‌های انقلابی، رکود اقتصادی و ارتباطات باز با نظام جهانی که امکان نفوذ قدرت‌های خارجی را فراهم می‌کند. این عوامل، نارضایتی‌های گسترده‌ای در میان اقشار مختلف جامعه ایجاد کرده و منجر به اتحاد طبقات مخالف دولت می‌شود. رکود اقتصادی نارضایتی‌ها را تشدید می‌کند و ارتباطات جهانی به نفوذ خارجی می‌انجامد. (فوران، ۱۹۲۲م، ص ۳۰۲-۳۰۰)

در این مقاله، با استفاده از نظریه جان فوران، وضعیت مشروعیت حاکمیت سیاسی حوثیان (انصارالله) یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به ویژه، به مؤلفه اندیشه کلام سیاسی حوثیان، با تأکید بر دیدگاه‌های حسین الحوثی و جریانات اجتماعی و فعالیت‌های آنان پرداخته می‌شود. همچنین، نقش تأثیر و تعامل آنها با قدرت‌های خارجی و نوع تقابل آنها در چارچوب اندیشه حاکمیتی بررسی می‌گردد.

۳. اندیشه حاکمیت

۳-۱. نوع حکومت

الف) امامت: زیدیه، همانند سایر فرق شیعه، وجود حکومتی با رهبری امام را ضروری می‌دانند تا امور جامعه را مدیریت و حل و فصل کند (المنصور بالله، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۳؛ بغدادی، ۲۰۰۳م، ص ۲۱۶). در نظام فکری زیدیه، امام در رأس حکومت قرار دارد و امامت از مهم‌ترین اصول اعتقادی آنان به شمار می‌رود. زیدیه بر این باورند که نبود امام، امت را به گمراهی می‌کشاند (شرفی، ۱۴۱۵ق، ج ۳،

ص ۲۵). اما مفهوم امامت در زیدیه با سایر فرق شیعه، به ویژه امامیه، تفاوت‌هایی دارد. زیدیه بیشتر بر جنبه‌های کلامی و سیاسی امامت تأکید می‌کنند تا بُعد قدسی آن. در نگاه آنان، تفاوت چندانی میان امام و خلیفه وجود ندارد و امام جایگاه مقدس یا تعظیم ذاتی ندارد. در واقع، امامت برای زیدیه بیشتر یک مفهوم سیاسی است تا مذهبی (فضیل، ۱۴۰۵ق، ص ۹۱-۹۰).

در تفکر زیدیان، امام بالاترین مقام قدرت در دولت اسلامی است و پس از بیعت مردم با او، موظف به اجرای وظایف امامت می‌شود. از جمله این وظایف می‌توان به عمل بر اساس شریعت و سنت پیامبر ﷺ، دعوت مردم به حق، امر به معروف و نهی از منکر، برقراری عدالت و مساوات، دفاع از مرزها، جهاد با ستمگران، انصاف مظلومان، اجرای حدود شرعی و اقامه نماز جمعه و جماعت اشاره کرد. (المنصور بالله، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۲۰).

ب) احتساب: حوثی‌ها برای تعریف احتساب در اندیشه کلامی سیاسی، آن را به‌عنوان دومین نوع حکومت معرفی می‌کنند. به گفته آنان، حکومت به دو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول امامت است که مختص اهل بیت ﷺ می‌باشد و نوع دوم «احتساب» نام دارد. احتساب می‌تواند توسط هر فرد مؤمنی که ویژگی‌های لازم را داشته باشد، اجرا شود؛ فردی که عادل باشد، به قصد خدا کارهای دینی را انجام دهد، از اسلام حمایت کند و امر به معروف و نهی از منکر نماید؛ حتی اگر از نسل امام حسن ﷺ یا امام حسین ﷺ نباشد. در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان میان این دو الگوی حکومتی جمع کرد، علامه الحوثی توضیح می‌دهد که هیچ تعارضی بین آنها وجود ندارد. هرگاه امکان برپایی امامت فراهم نباشد، حکومت احتساب جایگزین خواهد شد (صنعانی، ۲۰۰۵م، ص ۲۴-۲۲). بدین ترتیب، احتساب در غیاب امامت، به‌عنوان مدلی برای حکومت اسلامی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و به اجرای شریعت و حمایت از جامعه اسلامی ادامه می‌دهد.

۲-۳. شرایط حاکم

الف) ربط و نسبت ولایت فقیه در اندیشه حوثیان

دکتر دغشی در مطالعه خود با استفاده از مصاحبه با علامه بدرالدین الحوثی، به بررسی کلام سیاسی حوثیان پرداخته و شباهت‌هایی میان این اندیشه و نظریه ولایت فقیه امام خمینی ﷺ بیان می‌کند. وی معتقد است که امام خمینی ﷺ نظریه ولایت فقیه را برای خروج شیعه اثناعشری از انفعال و ایجاد نظام اسلامی در دوران غیبت امام زمان ﷺ مطرح کرده است. این نظریه به زعم او، تلاشی برای فعال‌سازی قوانین اسلامی و ایجاد ساختار حکومتی مشروع در دوران غیبت است. از سوی دیگر، اندیشه حوثیان بر محوریت حاکمیت سادات فاطمی متمرکز بوده و با تعدیلاتی، شباهت بیشتری به نظریه ولایت فقیه پیدا می‌کند (دغشی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶-۳۵).

رویکرد دکتر دغشی در مقایسه ولایت فقیه با اندیشه حوثیان حاوی نکات قابل بحثی است: **تفاوت ساختاری در مبانی نظری:** ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام بر پایه اصول فقهی شیعه اثناعشری و با تأکید بر جایگاه فقه در نظام سیاسی شکل گرفته است، در حالی که اندیشه حوثیان بیشتر بر مشروعیت خانوادگی سادات زیدی و رویکرد سیاسی - تاریخی آنها استوار است. این تفاوت اساسی مانع از یکسان‌سازی کامل این دو نظریه می‌شود.

نگاه بومی و تاریخی: زیدیه با توجه به تاریخ طولانی خود در یمن، ساختاری کاملاً بومی دارد که به نظام اجتماعی و قبیله‌ای آن منطقه وابسته است. این در حالی است که نظریه ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام ماهیتی فراملی داشته و بر اساس آموزه‌های جهان‌شمول اسلامی تعریف شده است. **پویایی در تطبیق:** اگرچه دغشی به امکان تعدیل در اندیشه حوثیان و نزدیکی آن به ولایت فقیه اشاره کرده است، اما چنین تغییری نیازمند پذیرش مبانی اثناعشری در نظام فقهی و اعتقادی زیدیه است که دشوار به نظر می‌رسد.

این مقایسه اگرچه شباهت‌هایی را نشان می‌دهد، اما تفاوت‌های بنیادین در مبانی نظری و اهداف سیاسی هر دو نظام، محدودیت‌هایی را در این تطبیق به وجود می‌آورد.

ب) عدالت

از منظر حوثیان، عدالت یکی از اصول بنیادین حاکمیت اسلامی و معیار مشروعیت حکومت‌ها است. عبدالملک الحوثی در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید می‌کند: «عدالت در تمامی جنبه‌های زندگی، از مسائل اجتماعی تا ساختار حکومت، باید محقق شود. هر حکومتی که در آن ظلم و فساد وجود داشته باشد، از مسیر اسلام حقیقی منحرف شده و مشروعیت خود را از دست می‌دهد» (عبدالملک الحوثی، ۲۰۱۷م). بر این اساس، آنان معتقدند که عدالت نه تنها در نظام اجتماعی، بلکه در تمامی ابعاد زندگی انسانی باید محقق شود. حوثیان بر این باورند که برپایی عدالت، مسئولیت اصلی هر حکومتی است و بدون تحقق آن، مشروعیت حاکمیت زیر سؤال می‌رود.

امام هادی الحق (یحیی بن حسین)، بنیان‌گذار زیدیه در یمن، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که «مهدی علیه السلام در زمانی ظهور خواهد کرد که فتنه‌ها فراگیر، کتاب و سنت به فراموشی سپرده و فساد گسترده شده است. در آن زمان، ربا و رشوه زیاد شده و ظلم حکومت‌ها افزایش یافته است. با ظهور مهدی علیه السلام زمین از عدل پر خواهد شد و از ستم پاک خواهد گردید» (مویدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۴). بر اساس این روایت، زیدیان وقوع ظلم و فساد گسترده را از شرایط اصلی ظهور مهدی علیه السلام و برپایی عدالت می‌دانند. حرکت اصلاحی مهدی علیه السلام بر محور اصلاح این شرایط خواهد بود. قاسم رسی،

از متفکران زیدی، نیز در تحلیل خود از وقایع آخرازمان بر این نکته تأکید کرده است که ظهور مهدی عجل الله فرجه زمانی رخ خواهد داد که فساد و فتنه‌ها به اوج خود رسیده باشد و با ظهور او، زمین از این ناهنجاری‌ها و ظلم‌ها پاک خواهد شد (رسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۶۹-۴۶۰). این روایت به‌طور خاص بر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور مهدی تأکید دارد و نشان‌دهنده رویکردی است که در آن، اصلاح جامعه و برقراری عدالت در صدر اهداف حاکمیت قرار دارد. از منظر زیدیان، تحقق عدالت اجتماعی و اصلاح سیاسی اولویت دارد و امامت بیشتر به‌عنوان ابزاری دنیوی برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر و برپایی حکومت عدل تلقی می‌شود، نه به‌عنوان امری قدسی و الهی با ویژگی‌های نصّ و عصمت. به‌عبارت دیگر، امامت در دیدگاه زیدیان، مفهومی سیاسی و اجتماعی است که بر پایه احیای عدالت و تأمین مصالح جامعه اسلامی تعریف می‌شود. این رویکرد کلامی، ضرورت تشکیل حکومتی با محوریت عدالت را مورد تأکید قرار می‌دهد و از آنجا که امامت تنها یک منصب مذهبی نیست، بلکه متکی بر حمایت از ارزش‌های اجتماعی و عدالت است، زمینه‌ساز ایجاد حکومتی بر پایه اصول کلام سیاسی و اجتماعی خواهد بود. (فرمانیان و موسوی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴)

ج) فاطمی بودن

مفهوم فاطمی بودن در اندیشه حوثیان در مقایسه با دیدگاه‌های زیدی و به‌ویژه سید مجدالدین المویدی، یک رویکرد پیچیده و بسیار تعیین‌کننده در زمینه سیاست و دینی در تفکر زیدی است. در تحلیل این دیدگاه، فاطمی بودن به‌عنوان شرط اصلی حاکمیت اسلامی مطرح می‌شود که نشان‌دهنده جایگاه منحصر به فرد اهل بیت علیهم‌السلام در مشروعیت سیاسی و دینی است. به‌عبارت دیگر، حاکمیت اسلامی از نظر حوثیان تنها باید در دستان سادات فاطمی باشد و دیگر افراد، حتی اگر شایستگی‌های علمی و اخلاقی بالایی داشته باشند، حق رهبری جامعه اسلامی را ندارند. این نگرش در دل خود نوعی تقدس را به رهبری اهل بیت علیهم‌السلام نسبت می‌دهد که از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارث رسیده است.

مفهوم فاطمی بودن در تفکر حوثیان نه تنها از جنبه دینی بلکه از جنبه سیاسی نیز بسیار حیاتی است. در تاریخ اسلام، اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امامان شیعه همواره با ویژگی‌های خاص خود به‌عنوان الگوهای رهبری و هدایت مطرح بوده‌اند. در اندیشه حوثیان، این ویژگی‌ها نه فقط در بُعد دینی بلکه در بعد اجتماعی و سیاسی نیز مشهود است و به همین دلیل تنها سادات فاطمی واجد صلاحیت رهبری جامعه اسلامی هستند. اما آنچه این تفکر را از سایر اندیشمندان زیدی مانند سید مجدالدین المویدی متمایز می‌کند، توانایی حوثیان در تطبیق و سازگاری با شرایط تاریخی و سیاسی خاص است.

در حالی که المویدهی مانند بسیاری دیگر از اندیشمندان زیدی، بر لزوم حفظ امامت فاطمی و ویژگی‌های خاص آن تأکید می‌کند، حوثیان با معرفی دو نوع حکومت، یعنی امامت و احتساب، این دیدگاه را با شرایط مختلف زمانه هماهنگ می‌کنند. در این رویکرد، اگر شرایط به گونه‌ای باشد که تحقق حکومت امامتی به‌ویژه در دایره اهل بیت علیهم‌السلام به دلایلی غیرممکن باشد، احتساب به‌عنوان یک راهکار عملی مطرح می‌شود. در این صورت، رهبری می‌تواند در دست فردی از غیر اهل بیت علیهم‌السلام قرار گیرد که ویژگی‌های خاص اخلاقی و دینی داشته باشد، به شرطی که این فرد بتواند در راستای اهداف و اصول اسلامی عمل کند.

این تفاوت در تطبیق‌پذیری رویکرد حوثیان به‌ویژه در بحث فاطمی بودن نشان‌دهنده نوعی فقه سیاسی اجتهادی است که می‌تواند در موقعیت‌های متفاوت تاریخی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد و همچنان بر اهمیت رهبری اهل بیت علیهم‌السلام تأکید دارد؛ در عین حال به ضرورت اجتهاد و انعطاف‌پذیری فقهی در مواجهه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند.

د) دنیاگریزی

در اندیشه کلام سیاسی حوثی‌ها، تأثیر نگرش امام خمینی علیه‌السلام به دارایی‌های دنیوی و مادیات به وضوح مشهود است. حسین الحوثی به‌طور خاص تحت تأثیر این نگاه به دنیاگریزی قرار دارد. او می‌گوید امام خمینی علیه‌السلام زندگی ساده‌ای داشت و همواره به مسئولان دولتی توصیه می‌کرد که خود را با فقرا مقایسه کنند و سبک زندگی آنان را در پیش بگیرند تا رفاه را برای قشر ضعیف جامعه فراهم کنند. بر این اساس، حسین الحوثی تأکید دارد که مسئولان نباید در کاخ‌های مجلل زندگی کنند، در حالی که مردم در سختی به سر می‌برند. او بیان می‌کند که با همین دارایی اندک نیز می‌توان حکومتی دینی با ارتشی بزرگ را پایه‌گذاری کرد (الحوثی، ۲۰۰۲ ص ۱۱). این رویکرد دنیوی، تأکیدی است بر لزوم ساده‌زیستی و جلوگیری از فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی. در واقع، حسین الحوثی با تأسیس چنین نگرشی به حکمرانی، در پی تأمین عدالت اجتماعی و کاهش شکاف‌های اقتصادی است تا حکومتی اسلامی و عادلانه با پشتوانه مردمی و دینی ایجاد کند.

۴. هدف حکومت

۴-۱. احیای حق

دیدگاه حوثیان در خصوص احیای حق، محور اصلی مبارزه آنها در برابر ظلم و فساد است. طبق گفته‌های عبدالملک الحوثی، رهبر جنبش انصارالله، احیای حق به‌عنوان یک تکلیف شرعی و مسئولیت الهی تلقی می‌شود که تنها از طریق مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی و مقابله با ساختارهای ظالمانه قابل تحقق است در این رویکرد، حوثیان تأکید دارند که حق در سایه ظلم و

فساد به فراموشی سپرده شده و تلاش برای بازگرداندن آن به جامعه اسلامی، به‌ویژه در برابر بی‌عدالتی‌های موجود، یک ضرورت دینی و اجتماعی است. این نگرش حوثی‌ها به‌وضوح نشان‌دهنده این است که مبارزه‌شان نه تنها یک اقدام سیاسی بلکه یک حرکت الهی و دینی است که بر اساس اصول اسلامی برای برپایی عدالت اجتماعی در جامعه صورت می‌گیرد.

احیای حق از نظر حوثیان به‌ویژه در قالب یک مبارزه اجتماعی و سیاسی پی‌ریزی می‌شود که از آن می‌توان به‌عنوان ابزاری برای مقابله با فساد و ظلم حاکم یاد کرد. برای آنها، این مبارزه تنها به معنای بازپس‌گیری حقوق از دست رفته نیست، بلکه ساختارهای ظالمانه‌ای که موجب تبعیض و نابرابری می‌شوند نیز باید از میان برداشته شوند. این حرکت نه تنها بر اساس مبانی دینی بلکه در پی ایجاد یک حکومت اسلامی بر پایه اصول عدلی است که همگان در آن از حقوق خود برخوردار باشند.

این رویکرد حوثیان به احیای حق، به‌ویژه در سطح نظری، نشان‌دهنده تأثیر مبانی فقه سیاسی و کلام سیاسی شیعی است که از یک‌سو بر ضرورت مبارزه با ظلم و فساد تأکید دارند و از سوی دیگر بر لزوم ایجاد حکومتی اسلامی مبتنی بر اصول عدالت و برابری اجتماعی تأکید می‌کنند. در حقیقت، این دیدگاه در پی احیای یک جامعه اسلامی عادلانه است که در آن هیچ‌کس از حق خود محروم نباشد و ساختارهای حکومتی بر اساس عدالت اجتماعی و مساوات استوار شوند. این مأموریت حوثیان، در بُعد اجتماعی، به‌طور خاص بر اصلاح ساختارهای قدرت حاکم تأکید دارد و در بُعد دینی نیز به پیاده‌سازی اصول اسلامی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی مرتبط است.

در نهایت، تحلیل دقیق این رویکرد نشان می‌دهد که احیای حق در اندیشه حوثیان، نه تنها به‌عنوان یک حرکت دینی بلکه به‌عنوان یک مبارزه سیاسی و اجتماعی برای تحقق عدالت و مساوات در جامعه اسلامی است که اهداف آن به‌وضوح در تلاش برای بازسازی ساختارهای حکومتی و دفاع از حقوق محرومان نمود می‌یابد. این مبارزه در عین حال که ریشه در مبانی فقهی و دینی دارد، از سوی دیگر، به‌عنوان یک واکنش اجتماعی و سیاسی در برابر ظلم و فساد حاکم و برای ایجاد حکومتی مبتنی بر اصول عدالت اسلامی مطرح می‌شود.

حسین الحوثی در مسئله حاکمیت بر این باور است که فردی که مسئولیت رهبری مسلمانان را بر عهده می‌گیرد، نباید به قدرت وابسته باشد. او معتقد است که هدف از حاکمیت باید احیای حقوق و نابودی باطل باشد و حاکم باید با این رویکرد به قدرت نگاه کند. اگر حاکم به قدرت عشق ورزد، نمی‌تواند در برابر استکبار مقاومت کند و ممکن است به بهانه مصلحت، ولایت و قدرت را به دیگران واگذار کند و این عمل را به‌عنوان حکمت و سیاست تلقی نماید. الحوثی همچنین تحت تأثیر اندیشه امام خمینی علیه السلام، بر اهمیت عدم وابستگی به مقام تأکید دارد. او به یادآوری توصیه امام

خمینی علیه السلام به فرزندش اشاره می‌کند که نباید به دنبال مقامات باشد، حتی اگر آن مقام دینی باشد، زیرا این علاقه می‌تواند به قربانی شدن دلیل و مصالح امت اسلامی منجر شود. (الحوثی، ۲۰۰۳م، ص ۵)

۴-۲. عدالت اجتماعی

تشکیل جامعه عدالت‌محور و هویت‌بخشی به جامعه شیعی، در اندیشه کلام سیاسی زیدیه جاری می‌باشد. مؤلفه «اجرای عدالت اقتصادی در اندیشه زیدیه» که یک اصل است، برای منظومه فکر کلام سیاسی زیدیه دارای شاخصه‌های می‌باشد که مبتنی بر هدفی است و آن هدف اجرای عدالت اجتماعی است. این مؤلفه‌ها عبارت است از:

بخشش در حد بی‌نیازی

تقسیم عادلانه اموال

پرداخت‌های فوق‌العاده

احساس بی‌نیازی

استرداد ثروت‌های غصبی و توزیع عادلانه منابع و درآمدها.

۵. مؤلفه‌های اندیشه کلام سیاسی

۵-۱. مشروعیت حکومت

از دیدگاه آموزه‌های زیدی، تنها حکومتی مشروع است که حاکمان آن از نسل فاطمی باشند. به همین دلیل، زیدی‌ها حکومت عبدالله صالح را به خاطر عدم تبار هاشمی‌اش مشروع نمی‌دانستند. (دغشی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۶) تحولات اخیر در خاورمیانه، که محور اصلی تغییرات موازنه قدرت منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد، ناشی از مشروعیت و عدم مشروعیت اندیشه‌های سیاسی است. هرگونه انتقال در ساختار قدرت سیاسی در کشورهای منطقه، نتیجه راهبردی ویژه‌ای دربر خواهد داشت. جابه‌جایی قدرت و رهبران سیاسی در خاورمیانه که بر اساس اندیشه‌های کلام سیاسی شکل می‌گیرد، نه تنها می‌تواند موجب خلاء قدرت در منطقه شود، بلکه موجب زمینه‌ساز دگرگونی‌های مبنایی در عرصه امنیت منطقه‌ای خواهد بود. به این ترتیب، تأثیر تحولات بهار خاورمیانه بر معادله قدرت و مشروعیت اندیشه سیاسی، با توجه به مؤلفه‌های مشروعیت اندیشه کلام سیاسی حوثیان قابل تحقق است.

۵-۲. نقش مردم در اندیشه کلام سیاسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های حاکمیت در اندیشه انصارالله، مردمی بودن است که در عبارت جمهوری خواهی انصارالله متجلی شده است؛ زیرا جزء ذات اسلام است نه خارج از آن. اسلام

برای مردم و هدایت آنها از سوی خداوند نازل شده است و فلاح و رستگاری آنها را مدنظر دارد و چنین دینی می‌تواند حضور مردم در اجرای مقررات و ضوابط حریم خود را اصل اولیه خود بداند؛ زیرا توده‌های محروم و مستضعف جامعه هستند که بیشترین حمایت و دفاع را از دین دارند. حسین الحوثی بر اهمیت روحیه مردمی و انقلاب اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است که هدف اصلی انقلاب و آرمان‌های آن، خدمت‌رسانی به تمامی اقشار جامعه است. او تأکید می‌کند که در حاکمیت اسلامی، تفاوتی بین فقرا و ثروتمندان وجود ندارد و رسیدگی به امور شهروندان و فراهم کردن رفاه برای همه افراد جامعه در اولویت قرار دارد. به عبارت دیگر، او خدمت به مردم را به عنوان محور اصلی فعالیت‌های حاکمیتی می‌داند و هدف از حاکمیت را تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت معیشتی اقشار مختلف جامعه می‌شمارد. حسین الحوثی در تبیین جایگاه مردم در اندیشه حاکمیت انقلاب اسلامی، ایران را با زمان شاه مقایسه می‌کند و می‌گوید: «توسعه شهری و روستایی و دادن کالا و خدمات متعدد به هر منطقه، از شاخصه‌های خدمات انقلاب اسلامی ایران، به عنوان نماد یک حکومت دینی است» (همان، ۲۰۰۲م، ص ۱۰).

۳-۵. نسبت دین و اندیشه کلام سیاسی

حوثی‌ها عینیت دیانت و سیاست را در اندیشه حاکمیتی و کلامی خود یک اعتقاد فردی نمی‌دانند، بلکه این مؤلفه در حاکمیت حوثی‌ها از اعتقادات اسلام به‌شمار رفته است. بهترین روش برای شناخت این اندیشه، مطالعه تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چراکه حوثی‌ها بر این باورند که هدف آنها اقامه احکام خداوند و برپایی شریعت الهی در جامعه است تا هدایت الهی بر تمام جوانب زندگی بندگان خدا حاکم شود. به این ترتیب، تشکیل دولت و حکومت اسلامی به عنوان جزئی جدانشدنی از دین و اعتقادات اسلامی محسوب می‌شود. آنان اعتقاد دارند که بدون وجود یک حکومت اسلامی، تحقق واقعی اصول دین و اجرای عدالت الهی در جامعه ممکن نخواهد بود. (حوثی، ۲۰۰۳م، ص ۵۹) امام خمینی نیز به چنین تفکری تصریح دارد.

۴-۵. دشمن‌شناسی و اندیشه کلام سیاسی

در اندیشه حاکمیتی حسین الحوثی، دشمن‌شناسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی زیدیه مورد تأکید قرار می‌گیرد. او به‌ویژه نسبت به آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ» نگاه منفی دارد و این تعبیر را تحت تأثیر اندیشه امام خمینی علیه‌السلام می‌داند. الحوثی با اشاره به اینکه آمریکا همواره مواضع شیطانی اتخاذ می‌کند، به این نکته اشاره می‌کند که این کشور از هر طریقی سعی در گمراهی مردم دارد. او به آیات قرآن استناد می‌کند که نشان‌دهنده ویژگی‌های شیطان در دعوت به گناه و طغیان است و معتقد است که این ویژگی‌ها به خوبی درباره آمریکا صدق می‌کند. (الحوثی، ۲۰۰۳م، ص ۵) همچنین،

حسین الحوثی به سخنان امام خمینی علیه السلام اشاره می‌کند که در آن، آمریکا را مسئول مشکلات مسلمانان جهان معرفی کرده است. او در سخنرانی‌های خود، با اشاره به حضور آمریکا در یمن و روز قدس، می‌خواهد به مردم یمن بفهماند که اعمال استکباری این کشور نادرست است و تنها راه مقابله با آن، مبارزه است. الحوثی به وضوح حق و باطل را در برابر هم قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که زمانی که دشمنی بر باطل علیه مسلمانان اقدام می‌کند، این خود نشانه‌ای از حق بودن حرکت جهادی مسلمانان است.

او همچنین به کلام امام خمینی علیه السلام استناد می‌کند که فرموده است: «افتخار ما این است که افرادی مانند آمریکا دشمن ما مسلمانان هستند»، و اضافه می‌کند که اگر آمریکا به او به عنوان دوست توجه کند، باید در خود شک کند، زیرا این امر نشان‌دهنده خروج از موضع حق است. بدین ترتیب، حسین الحوثی مفهوم دشمن‌شناسی را در اندیشه حاکمیتی خود به‌طور عمیق‌تری تبیین می‌کند. (همان، ص ۸).

۵-۵. اسلام محوری دین و اندیشه کلام سیاسی

اسلام در اندیشه زیدیه و حوثیان با تأملی بر مبانی دینی و اجتماعی آنها صرفاً یک نظام عبادی نیست بلکه چارچوبی جامع برای اداره جامعه بر اساس عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و تأمین حقوق مردم است. زیدیان بر این باورند که امامت بر پایه عدالت استوار است و نیازی به نصّ خاص از سوی خداوند ندارد، بلکه باید به کارآمدی در اداره جامعه اسلامی متکی باشد. این نگرش، که از سنت‌های فقهی و کلامی زیدیه نشئت گرفته، در جنبش انصارالله تحت عنوان «اسلام ناب» مورد بازخوانی و تأکید مجدد قرار گرفته است (رسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۶۹-۴۶۰).

بازخوانی اسلام ناب در اندیشه حسین الحوثی، رهبر جنبش انصارالله، با الهام از تعبیر امام خمینی علیه السلام درباره «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم»، به بازتعریف ویژگی‌های اسلام اصیل پرداخته است. او اسلام را نه فقط به‌عنوان یک مجموعه مناسکی، بلکه به‌عنوان نظامی تحول‌آفرین و عدالت‌محور تبیین می‌کند. در این راستا، چهار ویژگی اصلی را برای اسلام ناب برمی‌شمارد:

۱. **فروتنی در مواجهه با مؤمنان:** یکی از اصول بنیادین اسلام ناب، همبستگی و وحدت درون جامعه‌ای است. مؤمنان باید نسبت به یکدیگر عاری از خصومت باشند و در مسائل اجتماعی به حدود و اختیارات خود آگاه باشند. این اصل، به‌نوعی بازتعریف نقش مردم در نظام اسلامی است که مسئولیت‌پذیری و تعامل اجتماعی را تقویت می‌کند.

۲. **اقتدار و توانمندی در برابر کافران:** در مقابل، جامعه اسلامی باید در برابر سلطه‌جویی

بیگانگان و قدرت‌های استکباری ایستادگی کند. این اصل از تعالیم قرآنی نشئت گرفته که مسلمانان را به قدرت‌یابی و استقلال فرا می‌خواند. الحوثی این گزاره را نه فقط یک دستورالعمل نظری، بلکه ضرورتی استراتژیک برای حفظ استقلال جهان اسلام می‌داند.

اندیشه‌های حسین الحوثی ادامه‌دهنده سنت فکری‌ای است که اسلام را نه تنها یک دین عبادی، بلکه چارچوبی جامع و انقلابی برای حکمرانی می‌داند. برخلاف قرائت‌های سنتی، او اسلام را به‌عنوان نیرویی تحول‌آفرین در سیاست و اجتماع معرفی می‌کند. گفتمان او بر دو مؤلفه اصلی استوار است: نخست، تأکید بر «امت واحده» و انسجام در برابر تفرقه‌های مذهبی و قومی؛ دوم، قرائتی ضداستعماری که در برابر سلطه و نفوذ خارجی مقاومت می‌کند. این دیدگاه که تحت تأثیر سنت کلامی زیدیه و انقلاب اسلامی ایران قرار دارد، اسلام ناب را نه بازگشتی به اصول اولیه بلکه بازتعریفی پویا در بستر تحولات معاصر می‌داند. این رویکرد، فراتر از یک ایدئولوژی مذهبی، به راهبردی برای تغییر اجتماعی و سیاسی تبدیل شده که تأثیرات عمده‌ای بر تحولات داخلی یمن و معادلات منطقه‌ای دارد. درک این گفتمان می‌تواند تصویری روشنی از آینده تحولات یمن و خاورمیانه ارائه دهد.

۳. جهاد و قیام به سیف در راه خدا

۴. نهراسیدن مجاهد از سرزنش ملامتگران و کشته شدنش با هدف رضایت الهی

ویژگی ممتاز این اسلام اجتناب از طاغوت و جهاد با مشرکان است (الحوثی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰-۸) و به دلیل همین ویژگی خداوند پیامبران را فرستاده (نحل، ۳۶) و فرد مسلمان را با اهل باطل و نفاق درگیر کرده که مصداق آن در عصر حاضر استکبار است. بنابراین مؤلفه حوثی‌ها برای اسلام ناب محمدی دو مؤلفه اساسی: همدلی و مهربانی با هم‌نوعان خود و روحیه مدیریت جهادی در برابر دشمنان است.

حسین الحوثی به اسلامی که در جوامع مسلمان ظهور کرده معترض می‌شود که این اسلام ناب محمدی نیست؛ زیرا در رأفت و مهربانی با هم‌نوعان خلاصه می‌شود و مبارزه با استکبار و دشمنان در آن جایگاهی اتخاذ نمی‌کند. اسلامی که از روحیه و مدیریت جهادی تهی شده باشد، نمی‌تواند در برابر استکبار و دشمنان موضع‌گیری مؤثری داشته باشد و رهبری آن به سوی اسلامی آمریکایی سوق داده می‌شود که تنها عبودیت صرف را نشان می‌دهد. در این وضعیت، فرد مسلمان ممکن است شغل، اموال و فرزندان خود را داشته باشد و در مسجد عباداتی انجام دهد، بدون اینکه از مشرکان برائت جستجو و فعالیت سیاسی خاصی علیه مستکبران داشته باشد. حسین حسینی بر این باور است که هر مسلمان در برابر خدا و رسولش مسئول است و بر اساس سیره خدا و پیامبرش، نباید از جهاد با مشرکان و حتی از شعارهای انزجار از آنان دریغ کند. خنجر سنتی یمنی‌ها، معروف

به جنبیه، که ریشه آن به بیش از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد، همواره جزئی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ قبیله‌ای یمن بوده است و در زندگی، آیین‌ها و مناسبت‌های مذهبی انصارالله جایگاهی ویژه دارد و به‌عنوان نماد مردانگی و اقتدار شناخته می‌شود. در این راستا، مفهوم «قائم بالسَّیْف» در اندیشه زیدیه با استفاده نمادین از «جنبیه» پیوند اعتقادی یافته است. مطالعه تاریخ زیدیه در یمن و ایران نشان می‌دهد که این گروه پیرو سنت قیام مسلحانه در برابر ظلم بوده‌اند. از این رو عبدالسلام الحوثی در دیدار با رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، همراه با جنبیه، حاضر شد که حامل پیامی روشن از آمادگی برای جهاد و مقابله با دشمنان بود و برای دفاع از اسلام و مبارزه با دشمنان کشیده شده است.

قیام بالسَّیْف: در متون روایی شیعه نیز این مفهوم «قیام بالسَّیْف» به معنای آمادگی برای جهاد و مبارزه قهرآمیز تفسیر شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره «قائم» فرمودند: «كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۶). درباره حضرت مهدی علیه السلام نیز دو دیدگاه اصلی در میان عالمان شیعه وجود دارد: دیدگاه نخست، این روایات را که امام زمان علیه السلام را با عنوان «قائم بالسَّیْف» یا «صاحب السیف» معرفی کرده‌اند، به‌صورت کنایی تفسیر می‌کند. بر این اساس، «سیف» نماد قیام مسلحانه و جهاد علیه ظلم تلقی شده و ناظر بر یک مبارزه عادلانه است. امروزه بیشتر پژوهشگران، این دیدگاه را به واقعیت نزدیک‌تر دانسته و تعبیر «سیف» را به معنای ابزارهای دفاعی و نظامی در هر دوره تفسیر کرده‌اند. (طاهری، ۱۳۷۸، ص ۳۷۰)

استکبار و اهل کتاب به خوبی می‌دانند که اسلام با روحیه جهادی و مبارزه با مشرکان تعریف می‌شود، بنابراین تلاش می‌کنند تا شعار انزجار از استکبار و مشرکان را در جوامع اسلامی حذف کنند. آنها با معرفی عبارات جدید مانند «تروریسم» به جای «جهاد اسلامی»، به دنبال تضعیف روحیه و مدیریت جهادی مسلمانان هستند. این کار به آنها اجازه می‌دهد تا به بهانه مبارزه با تروریسم، مسلمانان جهادی را سرکوب کرده و اقدامات خود را توجیه کنند. به این ترتیب، این فرآیند می‌تواند به کاهش قدرت جهاد و مقاومت اسلامی منجر شود و جامعه اسلامی را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار دهد. (الحوثی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰-۸)

۵-۶. استکبارستیزی و اندیشه کلام سیاسی

حسین الحوثی استکبارستیزی را از موضع‌گیری امام خمینی علیه السلام در قبال فلسطین و اسرائیل الهام می‌گیرد. او معتقد است که امام خمینی علیه السلام رویکردی ثابت و پایدار در مقابله با استکبار و دشمنان اسلام داشت و بر این باور بود که تنها با ریشه‌کنی یهود از سرزمین‌های اسلامی می‌توان امنیت را

برای مسلمانان تأمین کرد. حسین الحوثی تأکید می‌کند که هر اقدامی غیر از این، فرصتی برای تقویت اسرائیل ایجاد می‌کند. امام خمینی^ع همچنین به مسلمانان انگیزه می‌داد تا با وحدت و قدرت در برابر اسرائیل بایستند و آن را از سرزمین‌های اسلامی بیرون کنند. حسین الحوثی روز جهانی قدس را راه‌حل برای خروج مسلمانان از بحران می‌داند و معتقد است که این روز باید به‌عنوان عامل بازدارنده در برابر فشارهای خارجی مورد بزرگداشت قرارگیرد. متأسفانه دولت‌های عربی به این اندیشه پاسخ مثبت ندادند. پس مشکل اصلی در مبارزه با استکبار، دولت‌های عربی هستند و اگر ملت‌ها همچنان منتظرند که عملی از دولت‌هایشان و اسرائیل ببینند. این اتفاق هرگز نخواهد رخ داد. بنابراین ایشان تا تحقق حکومت انصارالله تأکید دارند ملت باید خودشان روز جهانی قدس را زنده نگه دارند.

امام خمینی^ع مدام شیعیان را از هرگونه حيله و نیرنگ برحذر می‌داشت و می‌فرمود که جنگ صفین برای آنان درس عبرتی باشد که در این جنگ، وقتی دشمنان قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و فریاد زدند که «خدا بین ما و شما حاکم باشد»، شیعیان با این نیرنگ بود که فریب خوردند و با شکست مواجه شدند. حسین الحوثی با تأثیرپذیری از این واقعه تاریخی، به شیعیان یمن هشدار می‌دهد که استکبار با نیت‌های ظاهراً خیر، نظیر صلح و دوستی، به کشورهای عربی وارد می‌شود و نباید به این نیت‌ها اعتماد کرد. او تأکید می‌کند که نوع اندیشه حاکمیتی این قدرت‌ها نشان داده است که در دوستی و عهد، پایداری وجود ندارد. بنابراین، هرگونه اقدام به ظاهر خیرخواهانه از سوی آنان، در واقع نشانه‌ای از نیرنگ و اهداف شوم است که در دل خود پرورده‌اند. (همان، ۲۰۰۲، ص ۲)

۷-۵. مقاومت و اندیشه کلام سیاسی

مؤلفه مقاومت در اندیشه انصارالله، متأثر از انقلاب اسلامی ایران، بر شکست هژمونی استکبار جهانی استوار است. این جنبش، نظام سلطه را راهبردی شناختی می‌داند که از طریق تبلیغات و جنگ روانی، ملت‌ها را به انفعال می‌کشاند. انقلاب ایران، با فروپاشی نظم وابسته، نشان داد که مقاومت فعال، راهی برای رهایی از این سلطه است.

انصارالله بر ضرورت مقابله چندوجهی با استکبار تأکید دارد؛ از جنگ نظامی تا نبرد شناختی. این جریان، مقاومت را نه تنها ابزار دفاع، بلکه راهبردی تمدنی می‌داند که هویت اسلامی را احیا کرده و ساختارهای سلطه را تضعیف می‌کند؛ درسی که انقلاب اسلامی برای ملت‌های تحت ستم به ارمغان آورده است. مقاومت در اندیشه انصارالله فراتر از یک تاکتیک دفاعی بوده و به‌عنوان یک راهبرد دائمی برای حفظ استقلال و هویت امت اسلامی تلقی می‌شود. این قرانت، همسوبا

نگرش‌های بنیادین انقلاب اسلامی ایران، از مقاومت نه فقط به عنوان ابزار حفظ کیان ملی، بلکه به مثابه یک پروژه تمدنی برای شکستن چرخه سلطه جهانی یاد می‌کند.

در اندیشه حاکمیتی انصارالله، سیاست‌های استکبار جهانی بر پایه پذیرش حضور آنان از سوی دولت‌ها و ملت‌ها شکل می‌گیرد. حسین الحوثی معتقد است که آمریکا تنها در صورتی به یک کشور حمله خواهد کرد که ملت آن کشور، برخلاف دولت‌هایشان، پذیرای حضور نظامی آمریکا باشند و آرامش حکومت خود را در سایه این حضور جست‌وجو کنند. این نگرش، تبیینی از راهبرد بازدارندگی انصارالله در برابر تهدیدات آمریکاست. بر این اساس، انصارالله شعارهای ضدآمریکایی را نه تنها در واکنش به حضور استعماری غرب در منطقه، بلکه به عنوان ابزاری برای جلوگیری از نفوذ روانی و ادراکی دشمن در میان مردم یمن به کار می‌گیرد (همان، ۲۰۰۲م، ص ۱۱).

یکی از مصادیق کلیدی مقاومت در گفتمان حاکمیتی انصارالله، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. انصارالله، این جنگ را آزمونی تاریخی می‌داند که وابستگی کشورهای عربی به آمریکا را به زبان آنها تمام کرد. مقاومت ایران این توطئه را خنثی ساخت، بلکه پیامدهایی مانند حمله عراق به کویت، اشتباه این وابستگی را آشکار ساخت (همان، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷). این تحلیل، مبنایی برای تأکید بر ضرورت عدم اتکای یمن به قدرت‌های بیگانه در اندیشه حاکمیتی انصارالله است.

یکی دیگر از ابعاد مهم مقاومت در نظام فکری انصارالله، مواجهه با ابزارهای اقتصادی استکبار، به ویژه تحریم‌های اقتصادی است. انصارالله، مقاومت در برابر ابزارهای اقتصادی استکبار را یکی از ابعاد کلیدی اندیشه خود می‌داند. تجربه انقلاب اسلامی ایران نشان داد که تحریم‌ها ابزار فشار علیه حکومت‌های مستقل‌اند، اما ایران با اتکا به منابع داخلی، گسترش ائتلاف‌های اقتصادی و توسعه صنعتی، به استقلال اقتصادی دست یافت (همان، ص ۲۳-۲۲). انصارالله این الگورا را هبردی اساسی برای کاهش وابستگی یمن به بیگانگان و تحقق استقلال اقتصادی می‌داند. حسین الحوثی پس از سفر به ایران، پیشرفت‌های اقتصادی، علمی و نظامی این کشور را ستوده و آموزش‌های نظامی ایران را از ارکان اساسی مقاومت انصارالله دانسته است. در اندیشه انصارالله، توسعه علمی و نظامی نه تنها برای بازدارندگی در برابر استکبار، بلکه به عنوان راهی برای خودکفایی و مقابله با نفوذ بیگانگان محسوب می‌شود. بنابراین، این جریان الگوی ایران را راهبردی کلیدی برای رهایی از سلطه آمریکا و تقویت مقاومت می‌داند.

اندیشه حاکمیتی انصارالله، مفهوم مقاومت را فراتر از یک استراتژی نظامی می‌بیند و آن را به گفتمان راهبردی در برابر تهدیدات خارجی و نفوذ استکبار گسترش می‌دهد. این جریان، تجربه انقلاب اسلامی ایران را نه تنها به عنوان الگویی برای مقابله با تهدیدات خارجی، بلکه به عنوان مدلی برای دستیابی به استقلال اقتصادی و تقویت بازدارندگی ملی می‌شناسد. این نگرش به انصارالله

کمک کرده تا در برابر فشارهای بین‌المللی جایگاه خود را تثبیت کرده و به یکی از بازیگران اصلی در معادلات منطقه‌ای تبدیل شود. در این راستا، الگوی انقلاب اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای در گفتمان انصارالله پیدا کرده و به‌عنوان پاسخی به سلطه‌طلبی غرب، برای تدوین سیاست‌های راهبردی این جریان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۸. احیای ارزش‌های الهی در اندیشه کلام سیاسی

یکی از ویژگی برجسته در حاکمیت اسلامی انصارالله، احیای ارزش‌های دینی است. مردم در انقلاب اسلامی خواستار تغییراتی مبتنی بر اصول اسلام بودند. حوثی‌ها معتقدند استکبار و دشمنان اسلام با ترویج ایرانی‌گرایی و مادی‌گرایی تلاش دارند ارزش‌های دینی را از زندگی مردم ایران کم‌رنگ کنند. امام خمینی علیه السلام با تأکید بر اینکه «معیارهای ما باید الهی باشد»، مردم را بر ارزش‌های دینی ثابت‌قدم نگه داشت. حسن الحوثی نیز همانند امام خمینی علیه السلام بر لزوم پیروی از ملاک‌های الهی تأکید می‌کند و می‌گوید که معیار در تعاملات باید الهی و خدایی باشد. این رویکرد، مسلمانان را از فریب استکبار محفوظ می‌دارد و بر این باور است حفظ اصول الهی در روابط اجتماعی و سیاسی برای جلوگیری از انحراف و شکست ضروری است (حوثی، بی‌تا، ص ۶؛ حوثی، بی‌تا، ص ۱۲).

۶. نتیجه

جنبش انصارالله یمن را می‌توان یکی از جریان‌های مؤثر در منظومه مقاومت اسلامی دانست که به‌طور قاطع در برابر سلطه‌طلبی‌های منطقه‌ای و جهانی مقاومت می‌کند. این جنبش با برخورداری از بنیان فکری مستحکم در زمینه کلام سیاسی و اجتماعی، مشروعیت حکومت یمن را به چالش کشیده و بر لزوم استقرار یک حکومت اسلامی مستقل تأکید دارد که در برابر نفوذهای داخلی و خارجی ایستادگی کند.

مبنای مشروعیت اندیشه سیاسی حوثیان، بر پایه نظریه «امام قائم بالسیف» استوار است که نقش رهبری دینی و سیاسی را منوط به صلاحیت‌های الهی و توانایی دفاع مسلحانه می‌داند. این رویکرد، انصارالله را در چارچوب گفتمان مقاومت اسلامی قرار می‌دهد که به‌واسطه آن، عناصر قدرت مشروع در جامعه، بر مبنای آموزه‌های اسلامی، حفظ استقلال، عدالت‌محوری و استکبارستیزی تعریف می‌شوند.

مؤلفه‌های اصلی اندیشه کلامی-سیاسی انصارالله شامل موارد زیر است: مشروعیت حکومت بر اساس نسل فاطمی و نقش امامت در هدایت جامعه، تلفیق جمهوریت با نظام دینی برای ایجاد ساختار سیاسی مشروع، پیوند عمیق دین و سیاست برای احیای ارزش‌های الهی، تقابل با

سلطه‌گران جهانی و صهیونیسم، تلاش برای تأمین استقلال همه‌جانبه یمن، و ایجاد بستری برای رشد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جامعه. تحقق مؤلفه‌های اندیشه سیاسی انصارالله، پیامدهای عمیقی در ساختار سیاسی و اجتماعی یمن به دنبال خواهد داشت، از جمله حفظ کرامت انسانی، امنیت پایدار، رفاه اجتماعی و استقلال ملی. چشم‌انداز آینده این اندیشه شامل ایجاد امنیت پایدار از طریق حاکمیت صالحان، تقویت جبهه مقاومت و وحدت دینی، تشکیل نظامی بر مبنای عدالت و رهبری الهی، تحقق استقلال همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف، رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با فساد و حفظ آزادی، وحدت ملی و تمامیت ارضی است.

اندیشه سیاسی-کلامی انصارالله را می‌توان نمونه‌ای از یک نظام فکری مقاوم و تحول‌گرا دانست که بر اساس آموزه‌های اسلامی و الگوی مقاومت، به دنبال بازتعریف نقش دین در سیاست و استقرار حکومتی مبتنی بر عدالت، استقلال و عزت اسلامی است. این اندیشه نه تنها در تحولات یمن بلکه به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای قابل تحلیل است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. الحوثی، ابن بدرالدین حسین (بی تا) شفاء الاوام فی احادیث الأحکام للتمییز بین الحلال والحرام، تحقیق جمیعہ علماء الیمن، بیروت: بی تا.
 ۲. _____ (۱۴۲۲ق)، ینایح النصیحه فی العقائد الصحیحه، صنعاء: مکتبه بدر.
 ۳. _____ (۱۴۲۲/۲/۲ق)، دروس من هدی القرآن یوم القدس العالمی، یمن، اخراج و تحقیق، یحی قاسم ابو عواضه، القیت المحاضرہ. صعده
 ۴. _____ (۲۰۰۲/۲/۳م). دروس من هدی القرآن خطر دوخول آمریکا الیمن. یمن، اخراج و تحقیق، یحی قاسم ابو عواضه، القیت المحاضرہ. صعده
 ۵. _____ (۲۰۰۳م). دروس من هدی القرآن دروس من وحی عاشورا. یمن، اخراج و تحقیق، یحی قاسم ابو عواضه، القیت المحاضرہ. صعده
 ۶. _____ (۲۰۰۳م). دروس من هدی القرآن معرفه الله وعد و وعید المدرس العاشر. یمن، اخراج و تحقیق، یحی قاسم ابو عواضه، القیت المحاضرہ، صعده
 ۷. _____ (۲۰۰۳/۱/۱۷م). دروس من هدی القرآن. الصرخه فی وجه المستکبرین، یمن، اخراج و تحقیق، یحی قاسم ابو عواضه، القیت المحاضرہ. صعده
 ۸. _____ (بی تا). دروس من هدی القرآن الازهاب والاسلام. یمن، اخراج و تحقیق، یحی قاسم ابو عواضه، القیت المحاضرہ. صعده
 ۹. _____ (۱۴۲۲ق). دروس من هدی القرآن لا عذر للجمیع امام الله. یمن - صعده.
 ۱۰. _____ (۲۰۰۲م). دروس من هدی القرآن. تهیہ و تنظیم، یحیی قاسم ابو عواضه.
 ۱۱. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۲). روش شناسی کلام سیاسی. نشریه علوم سیاسی، ش ۲۸.
 ۱۲. بغدادی، عبدالقاهر (۲۰۰۳م). أصول الإیمان. تحقیق، ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار المکتبه الهلال.
 ۱۳. جمعی از نویسندگان (۲۰۱۰م). الحوثیون سلاح الطائفه و ولانات السیاسه. دبئی: مرکز المسبار للدراسات و البحوث.
 ۱۴. حسنی، عبدالله بن حمزه (۱۴۲۲ق). مجموع رسائل الإمام المنصور بالله (ج ۱). تحقیق عبد السلام وجیه، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی.
 ۱۵. حق شناس، علی محمد (۱۳۹۳). فرهنگ معاصر فارسی. بی جا: بی تا.

۱۶. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور (ج ۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. دغشی، احمد (۱۴۰۴ق). محمد الحوثیون الظاهره الحوثیه. بی‌جا: دارالفکر.
۱۸. رسی، قاسم بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). مجموع کتب و رسائل الامام محمد بن قاسم الرسی (ج ۲)، بی‌جا: دارالحکمة الیمانیة.
۱۹. رمضان، روح‌الله (۱۳۸۰). چارچوب تحلیلی بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۲۰. الامام الهادی، (۲۰۰۱). مجموع رسائل به کوشش عبدالله بن محمد شاذلی. چاپ اول، عمان، مؤسسة الامام زید بن علی (ع) الثقافية
۲۱. فضیلة، عبدالأمیر الشاعی (۱۳۹۴ق). تاریخ الفرقة الزیدیه بین القرن الثانی و الثالث. نجف اشرف، آداب،
۲۲. سلطانی‌فر، محمدحسین (۱۳۸۶). ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۳. صنعانی، عبدالله (۲۰۰۵م). الحرب فی صعده، من اول صیحه الی اخر طلقه. مصر، قاهره: دارالأمّل.
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی. جزوه درسی فلسفه امنیت در اسلام. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۵. فرمانیان، مهدی و موسوی‌نژاد، سید علی (۱۳۸۶). درسنامه تاریخ و عقاید زیدیه. قم: نشر ادیان.
۲۶. فضیل، شرف‌الدین، علی بن عبدالکریم (۱۴۰۵ق). الزیدیه نظریه و تطبیق. عمان: جمعیه المطابع التعاونیه.
۲۷. فوران، جان (۱۹۹۲م). تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت‌شکننده). ترجمه احمد تدین، بی‌جا: بی‌نا.
۲۸. عبدالله بن حمزه، الامام منصور بالله (۱۴۲۲). مجموعه رسائل. ج ۲، یمن، مؤسسه الام زید بن علی علی الثقافه
۲۹. مؤیدی، مجدالدین بن محمد (بی‌تا). التحف شرح الزلف التحف الفاطمیة علی الزلف الامامیة. بی‌جا: بی‌نا.